

جناب استاد باقر و جناب استاد احمد

هو الله

و از جمله مهاجرین جناب استاد باقر نجّار و جناب استاد احمد نجّار بودند * این دو برادر پاک گهر از بدایت هدایت دست در آغوش یکدیگر بودند و از اهل کاشان بودند ندای الهی شنیدند و خطاب الست را بلی گفتند * مدّتی در وطن خویش بذکر حقّ مألوف بودند و بعرفان و هدایت رحمن موصوف در نزد یار و اغیار محترم بودند و بدیانت و امانت و زهد و تقوی مشهور و مسلّم * چون عوانان دست تطاول گشودند و عرصه بر ایشان تنگ کردند هجرت بعراق نمودند و بظّل مبارک شتافتند بسیار دو نفس مبارکی بودند * مدّتی در عراق در نهایت تضرّع و ابتهال اوقاتی بسر بردند استاد احمد بادرنه شتافت استاد باقر در عراق بود بموصل اسیر شد * استاد احمد در معیت مبارک بسجن اعظم آمد و استاد باقر از موصل بعکا هجرت کرد * هر دو برادر در پناه حقّ بودند و از هر قیدی آزاد در سجن بصنعت خویش مشغول شدند و از بیگانه و خویش در کنار بودند در نهایت سکون و وقار و ایقان و اطمینان در پناه رحمن با روح و ریحان

میگذرانیدند * اوّل استاد باقر صعود نمود و مدّتی بعد از او استاد احمد عروج کرد *

خلاصهء کلام این دو برادر مؤمن و موقن ثابت و راسخ صابر و شاکر متضرّع و مبتهل در جمیع اوقات توجّه بحضرت کبریا داشتند در مدّت اقامه در سجن قصوری ننمودند فتوری نیاوردند بلکه در کمال فرح و سرور بودند و از جام ظهور سرمست * چون صعود نمودند یاران دلخون و محزون گشتند و جمیع از الطاف جمال مبارک طلب عنایت و عفو و مغفرت نمودند * همیشه مشمول بالطف بودند و مؤیّد باسعاف جمال مبارک از هر دو راضی با این زاد و توشه سفر آخرت نمودند و بجهان ابدی شتافتند * علیهما البهاء الابهی علیهما الرّحمة من الطاف الکبرياء و لهما مقعد صدق فی ملکوت الابهی * هر دو قبر معطر در عکا است *